

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۰ بهمن ۱۴۰۱  
مصادف با: ۸ رجب ۱۴۴۴  
جلسه: ۲۵

موضوع کلی: سوره بقره  
موضوع جزئی: آیه ۴۸ - بخش پنجم: «و لا هم ینصرون» - آیات دال بر عدم فریاد رس -  
نفی مطلق سه امر

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین

بخش پنجم: «و لا هم ینصرون»

بخش پنجم و آخرین بخش از آیه ۴۸ سوره بقره، این عبارت و این جمله است: «وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» چهارمین مطلبی که به عنوان ویژگی‌ها و خصائص روز قیامت برمی‌شمارد این است که هیچ ناصر و کمک‌کار و مساعدی در آن روز وجود ندارد؛ آنها یاری نمی‌شوند. آیه این بود: «وَأَتَقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ».

البته از حیث تقدیم و تأخیر در بین این موارد چهارگانه بعضاً در آیات تفاوت‌هایی وجود دارد؛ مثلاً در این آیه شفاعت مقدم شده بر عدل، می‌گوید «وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ». اما در آیه ۱۲۳ سوره بقره برعکس است، یعنی عدل مقدم بر شفاعت شده است: «وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ». این تفاوت ممکن است به حسب شرایط متفاوت انسان‌ها در آن روز و تقدیمی که عدل یا شفاعت برای آنها دارد باشد؛ یا ممکن است به حسب تفاوتی باشد که در موافق وجود دارد. ممکن است در جایی که عدل مقدم شده نسبت به جایی که شفاعت مقدم شده، از حیث موقف متفاوت باشند؛ یک جایی اقتضای بذل فدیة و عدل بوده و یک جایی اقتضای شفاعت؛ اما می‌فرماید «لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ» همانطور که «لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ» همانطور که «لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ».

معنای این بخش

در آخر فرموده «وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ»، به یک معنا همه موارد گذشته هم به عنوان نصرت می‌توانست ذکر شود؛ یعنی هم فداء دادن، هم اخذ العدل، هم شفاعت و هم اینکه نفسی بتواند به جای نفسی مجازات شود، اینها همه به یک معنا مصداق نصرت و پشتیبانی هستند؛ اما چون این امور در کنار یکدیگر ذکر شده، باید بگوییم پس نصرت در اینجا یک معنای خاصی دارد. وقتی این چهار امر با هم ذکر شوند، دیگر باید طبق اینکه تفصیل قاطع شرکت است، بگوییم اینجا معنای اینها با هم متفاوت است. نصرت در حقیقت به معنای فریادرسی و اغاثه است؛ وقتی می‌گوید «وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» یعنی هیچ اغاثه و فریادرسی برای آنها وجود ندارد. تا به حال پای خودشان در میان بود؛ مرحله به مرحله، ابتدا فرمود کسی به جای دیگری معاقب و مجازات نمی‌شود؛ بعد فرمود شفاعت دیگری مورد قبول واقع نمی‌شود؛ بعد فرمود فداء دادن مفید نیست؛ بعد یاری‌گری هم نیست. در مرحله اول اینکه اساساً دیگری مجازات شود، اینها همه کأنه تمثیل

مناسبات دنیایی در آن عالم است و اینکه هیچ یک از آن مناسباتی که به حال اشخاص در دنیا مفید است، آنجا کارگشا نیست. اینکه دیگری به جای این مجازات شود، در دنیا ممکن است کسانی که دارای قدرت و ثروت و مکت هستند گمان کنند که دیگران را می‌توانند به جای خودشان قرار دهند برای مجازات. در مرحله دوم یک مقداری باید خودش برود تقاضا کند، وساطت دیگران را طلب کند (در دنیا)؛ یعنی کأن یک اعتبار و آبرویی از خودش باید خرج کند. چون عرض کردیم شفاعت رایگان و مجانی است و در مقابلش چیزی نمی‌گیرند؛ این در حقیقت یعنی تقاضا کند که دیگری وساطت کند. مرحله سوم در دنیا، فداء و عوض است؛ یعنی خرج کردن. مرحله چهارم اینکه با فریاد و استغاثه همه نزدیکان خودش را به یاری بطلبد، مطالبه از پدر و مادر و برادر و خواهر و خویشاوندان سببی و نسبی، خلاصه دست به دامن هر کسی شود. خداوند می‌فرماید در روز قیامت هیچ کدام اینها اثر ندارد؛ نه کسی به جای کسی معاقب است، نه شفاعت و وساطت کسی پذیرفته می‌شود، نه فداء پذیرفته می‌شود؛ و اینکه می‌گوید فداء پذیرفته نمی‌شود، فداء جنبه مالی دارد. اساساً در آن دنیا وجود مال منتفی است و سالبه به انتفاء موضوع است؛ مالی ندارد تا بخواهد آن را به عنوان فداء بدهد و خودش را رها کند. البته یحتمل که بگوییم این فداء و عوض در آنجا برخی از اعمال و کارها و رفتارها است؛ این احتمال را ممکن است ذکر کنیم که مثلاً برخی ملکات، برخی خلیقات و بعضی از اعمالی که شخص داشته، اینها به عنوان فداء پذیرفته شوند که می‌فرماید این هم اتفاق نخواهد افتاد.

#### آیات دال بر عدم فریاد رس

به هر حال «وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» نفی هر گونه پشتیبانی و یاری در روز قیامت است. اینکه به صورت مطلق نفی هر گونه پشتیبانی را می‌کند، این به سبب آیات متعددی در قرآن بیان شده است؛ یعنی با آیات متعدد و به اشکال مختلف.

۱. در برخی آیات آمده که اعضای خانواده از یکدیگر فرار می‌کنند: «يَوْمَ يَقْرَأُ الْمَرْءُ مِنَ أَخِيهِ \* وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ»؛ یعنی برادر از برادر و کسی از پدر و مادرش فرار می‌کند، این یعنی آنقدر شرایط سخت و وحشتناک است که مجال برای یاری رساندن به دیگری پیدا نمی‌کند، و یا فرار برای این است که او را نبینند تا از او استمداد بجویند. در همین دنیا یک وقت کسی خودش را از دیگران پنهان می‌کند، این پنهان کردن برای این است که یک وقت از او مطالبه نکنند، حالا یا مطالبه مالی یا مطالبات دیگر؛ در این دنیا علل و عوامل مختلفی می‌تواند داشته باشد، اما در قیامت برای این است که حوصله پرداختن به دیگران را ندارد، و کاری هم از او بر نمی‌آید و چه بسا ممکن است گمان شود که وقتی با آن اشخاص مرتبط است، حتی خوف این را دارد که سبب گرفتاری و دردسر برای خودش شود. پس در یک صورت اساساً اینها از هم فراری هستند.

۲. گاهی مسأله به گونه‌ای است که اساساً باید به فکر خودش باشد و خودش را نجات دهد، «يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ

۱. سوره عبس، آیات ۳۴ و ۳۵.

عَنْ نَفْسِهَا<sup>۱</sup>، این بالاخره برای آن است که خودش را نجات دهد؛ یعنی گرفتار کار خودش است، به مجادله برای امر خودش سرگرم است. لذا نوبت به این نمی‌رسد که بخواهد به دیگران یاری برساند.

۳. گاهی از اوقات ممکن است کسی تمایل به کمک کردن داشته باشد ولی فایده‌ای ندارد؛ «لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ<sup>۲</sup>»، اگر ارحام و اولاد هم بخواهند کمک کنند، فایده و نفعی ندارد.

۴. دسته چهارمی هم هستند که نه تنها کمک نمی‌کنند بلکه عداوت آنها در آن روز آشکار می‌شود. بعضی از دوستان و کسانی که گمان می‌کرده که از دوستان او هستند، عداوتشان آشکار می‌شود: «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ»، دوستان (البته آنهایی که متقی نیستند، چون متقین استثنا شده است) در آن روز برخی دشمن دیگری می‌شوند؛ کسانی که با هم در دنیا بودند و دوستی داشتند و زندگی می‌کردند و معلوم است که این دوستی ظاهری بوده، اگر براساس تقوا بوده باشد معنا ندارد که در آن روز دشمنی کند؛ این دشمنی برای این است که این دوستی پایه درستی نداشته یا ظاهری بوده است. وقتی پایه دوستی سست باشد، طبیعتاً در آن شرایطی که روزگار سختی است برای افراد مختلف، آنجا جای دوستی برای چنین انسانی نیست و دشمنی خود را آشکار می‌کند.

پس «وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» در واقع می‌خواهد یک مطلبی را غیر از آن سه مطلب قبلی برساند و آن اینکه هیچ فریادرسی و اغاثه‌ای پذیرفته نمی‌شود و وجود ندارد؛ کمکی از سوی کسی نخواهد بود. فریادرسی که به فریاد انسان برسد، در آن دنیا وجود ندارد؛ دلیل آن را هم عرض کردیم که یا برای این است که انسان‌ها گرفتار خودشان هستند؛ یا برای این است که اساساً فرار می‌کنند از همدیگر، چون نمی‌خواهد از او استمداد شود؛ یا برای این است که از ابتدا یک دوستی واقعی نبوده و او گمان می‌کرده که او ناصر و پشتیبان است، در حالی که آنجا دشمنی او آشکار شده است؛ یا ممکن است عده‌ای بخواهند کمک کنند اما کمک آنها سودمند نیست. بنابراین «وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» طبق آنچه گفته شد، یکی از ویژگی‌های آن روزهاست.

پس آیه ۴۸ در حقیقت اشاره می‌کند به اینکه هیچ یک از آنچه را که شما گمان می‌کنید به حال شما مفید هستند و روی آنها در دنیا حساب باز کرده بودید، در عالم آخرت برای شما سودمند نخواهد بود. مهم این است که انسان در این دنیا خودش را از این گرفتاری‌ها و وابستگی‌ها نجات دهد تا نیازی به آن شرایط پیدا نکند، که شرایط بسیار مشکل و سختی است.

#### نفی مطلق سه امر

نکته دیگری که به عنوان آخرین نکته در اینجا لازم است طرح کنیم، این است که در تمام این بخش‌های چهارگانه، ملاحظه فرمودید که نفی مطلق است، «لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ

۱. سوره نحل، آیه ۱۱۱.

۲. سوره ممتحنه، آیه ۳.

يُنْصَرُونَ»، تماماً به صورت نفی مطلق بیان شده است؛ یعنی یقیناً و بدون استثنا «لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا»، «وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ»، البته فقط این یک مورد خاصی استثنا شده آن هم به دلیلی؛ «وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ»، این مطلقاً استثنابردار نیست؛ «وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ» این هم استثنابردار نیست. یعنی واقعاً انسان بی‌پناه است؛ تنها چیزی که در آن روزگار و ایام می‌تواند به انسان سود برساند، ایمان و عمل صالح است «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»، روح پاک، باور سالم، اعتقاد قلبی صحیح، نفس میرا از آلودگی‌ها و البته اعمال صالحه، اینهاست که می‌تواند به کمک انسان بیاید و انسان را از آن مشکل‌رهایی ببخشد.

«والحمد لله رب العالمين»